



گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِي خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

مقدمات؛ عقل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفتاری از آن جناب درباره‌ی اینکه عقل موهبتی خدادادی و غیر اکتسابی است، ولی کاربرد آن بر دارندگانش واجب است.

أَخْبَرَنَا وَليدُ بْنُ مُحَمَّدِ السَّجِسْتَانِيِّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَّاسَانِيَّ عَنِ الْعَقْلِ أَهْوَى مَوْهُوبٌ مِنَ اللَّهِ أَوْ لِلنَّاسِ فِيهِ صُنْعٌ؟ قَالَ: بَلْ هُوَ مَوْهُوبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَيْسَ لِلنَّاسِ فِيهِ صُنْعٌ، قُلْتُ: فَلِمَ إِذَا دَمَ اللَّهُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ؟! قَالَ: أَيَنْ ذَهَبْتَ يَا وَليدُ؟! إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَهَبَ لَهُمْ عَقْلاً وَأَمْرَهُمْ بِاسْتِعْمَالِهِ، فَلَمْ يَسْتَعْمِلُوهُ، فَذَمَّهُمْ عَلَى تَرْكِ الْإِسْتِعْمَالِ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَهُ: ﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا﴾^١ وَقَوْلَهُ: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾^٢؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَزِدَا عَقْلاً! قَالَ: يَا وَليدُ، إِنَّكَ لَمْ تَسْتَعْمِلْ عَقْلَكَ كَلَّهُ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى زِيَادَةٍ، لَا وَاللَّهِ بَلْ لَمْ تَسْتَعْمِلْ مِنْهُ جُزْءًا مِنَ السَّبْعِينَ، فَلَعَلَّكَ إِنْ تَسْتَعْمِلُهُ لَنْ تَحْتَاجَ إِلَى زِيَادَةٍ، لِأَنَّ اللَّهَ قَسَمَ الْعَقْلَ عَلَى قَدْرِ حَاجَةٍ بِهِ، وَلَمْ يَنْفُضْ مِنْهُ وَلَمْ يَزِدْ عَلَيْهِ، وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا مَقْدُورًا، فَاسْتَعْمِلْ عَقْلَكَ يُغْنِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَإِنْ احْتَجَجْتَ بَعْدَهُ إِلَى شَيْءٍ فَاسْتَعِنْ بِعَقْلِ أَحْيَاكَ، فَإِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ الْعُقُولَ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ، لِيَسْتَعِينَنَّ بَعْضُهَا بِبَعْضٍ، وَيَكُونَ بَعْضُهَا تَبَعًا لِبَعْضٍ، وَجَعَلَ عَقْلَ خَلِيفَتِهِ فِي الْأَرْضِ أَكْمَلَ الْعُقُولِ لِيَكُونَ مَصِيرَهَا وَمَأْوَاهَا، فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا اسْتَعْمَلَ عَقْلَهُ حَقَّ اسْتِعْمَالِهِ وَاتَّبَعَ خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ حَقَّ اتِّبَاعِهِ، لَكَانَ كَمَنْ عَقْلُهُ كَامِلٌ لَا نُقْصَانَ فِيهِ وَلَا عَاهَةَ!

ترجمه‌ی گفتار:

ولید بن محمود سجستانی ما را خبر داد، گفت: از منصور هاشمی خراسانی درباره‌ی عقل پرسیدم که آیا آن موهبتی از جانب خداوند است یا برای مردم در آن نقشی وجود دارد؟ فرمود: بلکه

١. الأعراف / ١٧٩

٢. محمد / ٢٤

آن موهبتی از جانب خداوند است و برای مردم در آن نقشی وجود ندارد! گفتم: پس چرا خداوند کسانی را نکوهش کرده است که عقل را به کار نمی‌برند؟! فرمود: به کجا رفتی ای ولید؟! هرآینه خداوند به آنان عقلی بخشیده و آنان را به کاربرد آن فرمان داده، ولی آنان آن را به کار نبرده‌اند، پس آنان را بر ترک کاربردش نکوهش کرده است! آیا این سخن او را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «برای آنان عقل‌هایی هست که با آن در نمی‌یابند» و این سخنش را که می‌فرماید: «آیا پس در قرآن اندیشه نمی‌کنند یا بر عقل‌هایی قفل‌هایش نهاده شده است (تا به کار برده نشود)»؟! گفتم: فدایت شوم، من دوست می‌دارم که عقل بیشتری کسب کنم! فرمود: ای ولید! تو هنوز همه‌ی عقلت را به کار نبرده‌ای تا به افزایش آن نیازی داشته باشی، نه به خدا سوگند بلکه یکی از هفتاد جزء آن را به کار نبرده‌ای! پس شاید اگر آن را به کار ببری هرگز به افزایش آن نیازی نیابی؛ چراکه خداوند عقل را به اندازه‌ی نیاز به آن قسمت کرده و از آن (اندازه) کم نگذاشته و بر آن نیفزوده و برای هر چیزی اندازه‌ای سنجیده قرار داده است! بنابراین، عقل خود را به کار ببر که اگر خدا بخواهد تو را بی‌نیاز می‌کند و اگر پس از آن به چیزی نیاز پیدا کردی از عقل برادرت کمک بگیر؛ چراکه خداوند برخی عقل‌ها را بر برخی دیگر فضیلت بخشیده است تا برخی‌شان از برخی دیگر کمک بگیرند و برخی‌شان پیرو برخی دیگر باشند و عقل خلیفه‌ی خود در زمین را کامل‌ترین عقل‌ها قرار داده است تا مرجع و پناه‌گاه آن‌ها باشد! بنابراین، اگر مردی عقل خود را چنانکه شایسته است به کار برد و از خلیفه‌ی خداوند در زمین چنانکه شایسته است پیروی کند، مانند کسی خواهد بود که عقل او کامل باشد و نه کاستی در آن باشد و نه کژی!

شرح گفتار:

این حکیم الهی در این حکمت متعالی، نظام عقلی حاکم بر جهان را با ظرافت تمام به تصویر کشیده و مبدأ عقل و قدر آن و مراتب آن و ارتباطش با افرانش را به روشنی تبیین فرموده است. بنا بر این حکمت متعالی، عقل ماهیتی خدادادی و غیر اکتسابی دارد و مردم نمی‌توانند آن را کم یا بیش کنند، ولی به هر یک از آنان متناسب با نیازش داده شده و کمتر یا بیشتر از آن داده نشده است. با این حال، آنان می‌توانند از عقل یکدیگر بهره ببرند و با این شیوه نقصان نسبی عقول خود را جبران نمایند و در این میان، عقل خلیفه‌ی خداوند در زمین از همه‌ی عقول کامل‌تر است و به این اعتبار، مرجع آن‌ها شمرده می‌شود تا همگی به آن منتهی شوند و با این وصف، رمز کمال آدمی استفاده‌ی حداکثری از عقل خود و تبعیت حداکثری از خلیفه‌ی خداوند در زمین است.

انصافاً چنین حکمت‌های بی‌بدیلی، چونان الماس‌هایی گران‌بها هستند که بر سر راه مردم افتاده است، ولی آنان از روی آن می‌گذرند و آن را از زمین بر نمی‌دارند؛ چراکه بسیار غافل و متکبر هستند و فرق الماس را از سنگ نمی‌شناسند! به راستی شایسته‌ی تأسف است که چنین عالم کاملی در

میان آنان وجود دارد، ولی آنان از علم او بهره نمی‌برند؛ چونان علی بن ابی طالب که علم انبوهی در سینه‌ی خود داشت، ولی برای آن حاملانی نمی‌یافت؛ تا جایی که از حسرت آه می‌کشید و می‌فرمود: «إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا لَوْ وَجَدْتُ لَهُ حَمَلَةً»؛ «در اینجا علم انبوهی وجود دارد، کاش برای آن حاملانی می‌یافتم» و فریاد می‌زد: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي»؛ «از من بپرسید پیش از آنکه من را نیابید»، ولی از کسی پاسخی نمی‌شنید؛ چراکه اهل زمانش قدر او را نمی‌دانستند و لیاقت انسانی مانند او را نداشتند. تا آن گاه که خداوند بر ناسپاسان غضب کرد و او را از میان آنان برد و به جای او جاهلان را بر آنان مسلط ساخت، تا با ظلم خود آنان را به بدبختی کشانند، باشد که عبرتی برای آیندگان شوند!



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌باشمی خراسانی



با نهضت

«بازگشت به اسلام»

آشنا شوید.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌باشمی خراسانی، حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب این

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.